

نقدی بر نقد شیطان‌گرایی در کشور

یکی از موضوعاتی که نظام سلطه نسبت به مدیریت و هماهنگ‌سازی با ارزش‌های خود از آن غافل شده بود، مقوله دین و معنویت است.



خبرگزاری رسا - یکی از موضوعاتی که نظام سلطه نسبت به مدیریت و هماهنگ‌سازی با ارزش‌های خود از آن غافل شده بود، مقوله دین و معنویت است. نظام استکباری به خیال خام خود می‌پنداشت که با ترویج اندیشه‌های سکولاریسمی در چند سده اخیر توانسته دین را نه تنها از سیاست، بلکه از تمام عرصه‌های زندگی مردم دنیا جدا کند.

شیطان‌پرستی کلید واژه‌ای بود که برای مدتی نقل محافل رسانه‌ای و محافل دانشجویی شده بود. اخبار متعدد در تلکس‌های خبری، کارگاه‌های آموزشی، مستندهای تلویزیونی، مقالات و کتب متعدد، فضاهایی بود که برای مدتی با تیتراهای مشابهی مانند نقد و بررسی شیطان‌پرستی پر شده بود. در میانه آن هیاهو، فرصتی برای نقد این نقدها وجود نداشت و شاید کمتر محفلی به آن می‌پرداخت. شاید الآن زمان مناسبی باشد که کمی به پشت سر خود نگاه کنیم و عملکردمان در مقابله با این آسیب را آسیب‌شناسی کرده تا در مبارزات بعدی قوی‌تر و موثرتر از پیش عمل کنیم.

ارائه توصیف ناقص و غلط از جریان شیطان‌گرایی

برای مقابله با هر آسیبی بایستی 4 مرحله طی شود: توصیف صحیح و دقیق آسیب، تحلیل، ارائه راهبرد، اقدامات مقابله‌ای. بدین‌صورت که ابتدا مراکز پژوهشی معتبر اقدام به انجام پژوهش‌های توصیفی کامل درباره این جریان کرده، زمینه را برای تحلیل صحیح و پیش‌بینی گام‌های بعدی ترویج این جریان فراهم نمایند. بایستی دقت داشت که نتایج حاصله در این مرحله، نبایستی در فضای افکار عمومی منتشر شود و تنها در محافل علمی و برای مخاطب پژوهشی قابل طرح و بحث است. در گام بعد با توجه به اطلاعات و تحلیل‌های صورت گرفته، راهبرد متناسب برای مقابله با این جریان تدوین شود و سرانجام اقدامات اجرایی مناسب در حوزه‌های مختلف تربیتی، اجتماعی، امنیتی و رسانه‌ای صورت پذیرد.

اما متأسفانه در ماجرای برخورد با جریان شیطان‌گرایی، در اولین گام دچار اشکالاتی شدیم و توصیفی ناقص و غلط توسط برخی پژوهشگر نمایان در فضای عمومی جامعه منتشر گردید. بد نیست نمونه‌هایی از این توصیفات غلط را در این جا شرح دهیم؛

1. معرفی جریانات کم‌ارتباط و بعضاً بی‌ارتباط با فرقه‌های شیطانی به عنوان شیطان‌پرستان

نمونه‌ای از این توصیف ناقص و اشتباه را می‌توان در معرفی خرده‌فرهنگ [1] گوتیک [2] و رشته هنر بدن [3] به عنوان شیطان‌پرستی مشاهده نمود. بسیاری از تصاویری که در سخنرانی‌ها تحت عنوان تیپ ظاهری شیطان‌پرستان نمایش داده می‌شود، در واقع متعلق به دو گروه مذکور است. گرچه برخی از این تیپ‌های ظاهری در میان شیطان‌پرستان نیز وجود دارد، منتهی این که شیطان‌پرستان را با دو گروه مذکور اشتباه کنیم، به بزرگ‌نمایی این فرقه‌های کوچک کمک شایانی نموده‌ایم.

گوتیک: بسیاری تشکیل این خرده فرهنگ را اوایل دهه 1980 در بریتانیا می‌دانند و آن را یکی از شاخه‌های سبک پُست-پانک به شمار می‌آورند. خرده فرهنگ گوتیک در دوره‌های طولانی نسبت به خرده فرهنگ‌های دیگر عمر طولانی‌تری داشته و تا امروز دوام یافته است. تصاویر این سبک نشان می‌دهد که خرده فرهنگ گوتیک امروزی، تحت تاثیر ادبیات گوتیک در قرن 19 و فیلم‌های ترسناک و وحشت آور بوده است. گوتیک‌ها در فستیوال‌های منطقه‌ای که برپا می‌کنند از نوع خاصی از پوشش استفاده می‌کنند که به مُد گوتیک مشهور است. تاریکی، ناخوشایندی و بعضی اوقات، بدن‌نمایی از ویژگی‌های این سبک است. سبک گوتیک شامل رنگ کردن مو به رنگ سیاه و بعضاً رنگ‌های تند دیگر، موجدار کردن مو، لب‌های سیاه و لباس‌های سیاه است.

هنر بدن: این عنوان به مجموعه هنرهایی اطلاق می‌شود که به نوعی با بدن انسان سر و کار دارد. زیرشاخه‌های متعددی در آن وجود دارد، از جمله نقاشی روی بدن [4]، سوراخ کاری بدن [5]، خالکوبی کردن [6]، کاشت زیر پوستی [7] و... را شامل می‌شود. بسیاری از این افراد که می‌بینید بدن خود را در نقاط متعددی سوراخ کرده و جواهر آلاتی را به آن آویزان می‌کنند و یا قسمتی از بدن خود را خراشکاری کرده اند، اصلاً شیطان پرست نیستند.

2. معرفی سبک‌های موسیقی راک، متال و رپ به عنوان گروه‌های شیطان‌پرستی

جرقه‌های اولیه شکل‌گیری سبک‌های موسیقی راک و متال به دهه 60 میلادی برمی‌گردد. فضای اعتراضی موجود در آن زمان که عمدتاً در کشورهای اروپایی و آمریکا متمرکز بود، حاصل جنایات بی‌سابقه دوران جنگ جهانی اول و دوم بود. در خلال این دو جنگ که تنها در حدود 10 سال به طول انجامید، نزدیک به 90 میلیون انسان کشته شدند، که با احتساب جمعیت بی‌خانمان‌ها و مجروحین، با رقم سرسام آوری مواجه می‌شوید. این شوک بی‌سابقه، به طور ویژه، ذهن جوانان کشورهای جنگ افروز را به خود متوجه کرد و جنبش‌های کوچک و بزرگی علیه نظام لیبرال دموکراسی شکل گرفت.

از آن جا که موسیقی در کشورهای غربی بُعد رسانه‌ای قوی دارد، برخی از این گروه‌ها برای ابلاغ اعتراضات خود به استفاده از موسیقی روی آوردند. منتهی سبک‌های موجود در آن زمان ساختار مناسب برای انتقال پیام اعتراض گونه این گروه‌ها نداشت. بنابراین برخی از هنرمندان جوان اقدام به ابداع سبک‌های متناسب محتوای جنجالی نمودند. این جا بود که در ابتدا سبکی با عنوان راک اند رول به وجود

آمد. این سبک حاصل تلفیق موسیقی پاپ و بلوز [8] بود. پس از مدتی با پیدایش انواع مشابه، این سبک تبدیل به یک سبک اصلی گردید که خود زیر شاخه‌های متعددی را در بر می‌گرفت و به آن سبک راک گفته شد. مدتی بعد، از دل زیرشاخه‌ای از سبک راک به نام هارد راک، سبک دیگری با عنوان هوی متال به وجود آمد. این سبک نیز بعد از مدتی به سبک اصلی با عنوان متال تبدیل شد. اولین گروه‌های سبک راک و متال فرانک‌زاپا [9]، کینکس [10] و پلک سیث [11] بودند و از نیمه دوم 1960 کار خود را آغاز کردند. پس از آن، در هر گوشه، گروهی کوچک و پنج-شش نفره سر بلند کرد و موجی تازه در دنیای موسیقی فراگیر شد. در سال‌های اول تقریباً تمام اشعار و ترانه‌های متال دارای خمیرمایه اعتراض‌آمیز بر ضد جنگ، عشرت‌طلبی و سلطه سیاسی- اجتماعی بود. ترانه‌ها برای مبارزه با مدرنیته مصنوعی و سلطه تجاری و بیان رنج‌های جوامع در جهان سوم سروده می‌شد. بخشی از اشعار هم مربوط به مسائل معنوی و نکاتی برای بیدار کردن ضمیر انسان‌ها بود. (آزبورن، 1381، ص 19)

پس از مدتی کانون‌های قدرت که از گسترش این جنبش‌ها احساس خطر جدی کردند، اقدام به مدیریت و کنترل این جنبش‌ها نمودند. [12] نمونه‌ای از این اقدامات برچسب زنی به این گروه‌ها با عنوان گروه‌های شیطان پرستی بود. البته ظرفیت‌های موسیقی متال برای رفتن به سمت شیطان‌گرایی را نباید ندیده گرفت؛ از جمله اعتراض به نهادهای اجتماعی و برهم زدن نظم، ابراز خشونت و کلمات رکیک در ترانه‌ها و از همه مهم‌تر اهانت به مقدسات که شاید به دلیل حمایت کلیسا از حکومت‌ها بود.

برای نمونه، گروه پلک سیث به عنوان یک گروه موفق و آوانگارد، برچسب شیطانی خورد؛ فقط به این دلیل که با توطئه‌ای حساب‌شده، افرادی با لباس‌های سیاه شیطان‌پرستی و نمادهایی مثل صلیب برعکس یا ستاره پنج‌پر، در اجراهای آن‌ها حاضر می‌شدند و این صحنه در تصاویری که از برنامه‌های این گروه می‌گرفتند، برجسته شده و در رسانه‌ها و مطبوعات بازتاب گسترده یافت. در پی این تبلیغات دروغین مبنی بر شیطانی جلوه دادن گروه پلک سیث و بعدها سایر گروه‌های متال، خواننده این گروه مایکل آزبورن [13] معروف به اُزی [14] در مصاحبه‌ای در سال 1976 اعلام کرد: «ما یک گروه موسیقی هوی‌متال [15] هستیم و من و بچه‌ها هرگز به دنبال تفکرات شیطانی نرفته‌ایم. من فردی مذهبی نیستم؛ اما به آفریننده‌ام ایمان دارم. پلک سبث هرگز گروهی شیطان‌پرست نبوده است و من از دیدن بعضی از طرفدارانمان که با لباس‌های سیاه و صورت‌های رنگ‌شده و شمعی در دست در سالن کنسرت حضور پیدا می‌کنند، واقعاً می‌ترسم...؛ ما واقعاً آن‌گونه که آن‌ها می‌خواهند نیستیم، بلکه فقط معتزیم.» (آزبورن، 1381، ص 21)

در اواخر دهه هفتاد این تبلیغات مؤثر واقع شد و گروه‌های دیگر که دیدند بازار شیطان‌پرستی داغ است و راه رسیدن به شهرت و ثروت از آن می‌گذرد، داوطلبانه شیطان‌پرستی را برگزیدند. در آغاز، پذیرش هویت شیطانی از سوی این گروه‌ها، به استفاده از نمادها، سبک، ادبیات و فضای شیطانی محدود می‌شد، که برای نمونه می‌توان به گروه‌های متالیکا [16]، منووار [17] و رولینگ استون [18] و حتی خود گروه پلک‌سیث اشاره کرد که به سبک‌های اسپیدمتال [19]، ترش‌متال [20] و پاورمتال [21] روی آوردند. پس از آن به تدریج گروه‌ها و افرادی پیدا شدند که آشکارا از شیطان‌پرستی و حتی حلول شیطان در خودشان سخن گفتند. این شیوه به پیدایش سبک‌های پلک متال [22]، دث متال [23] و متال صنعتی [24] کشیده شد و گروه‌هایی مثل گروه مرلین منسون [25]، دیساید [26] و امپروور [27] به وجود آمدند و آنتوان لاوی موسس فرقه سیطنیسم [28]، مرلین منسون را کشیش افتخاری کلیسای شیطان معرفی کرد.

موسیقی تند، فریاد، خشونت نمایشی و گاهی واقعی (چنان‌که سید ویشس [29]، خواننده گروه سیکس پیستولز [30] از گروه‌های موفق پانک، همسر خود را کشت و شب بعد دست به خودکشی زد) در کنار رفتار ناهنجار جنسی و استفاده از مواد مخدر و روان‌گردان و به بازی گرفتن شعارها و آرمان‌های تحول‌آفرین، تمام نیروی فکری و جسمی جوانان را به تباهی کشید و قدرت ایستادگی و اعتراض مؤثر و تفکر تحول‌ساز را از آن‌ها گرفت. شیطانی‌تر از همه این‌که نیروی سرمایه‌داری و قدرت‌های سلطه‌گر نه تنها برای این ویران‌گری هزینه‌ای پرداخت نکردند، بلکه از آن برای خود، منابع ثروت‌آفرین ساختند. فروش فیلم‌ها، درآمدهای حاصل از برنامه‌های رسانه‌ای، تولید پوشاک و لوازم آرایشی و زینتی که با نمادها و الیمن‌های گروه‌های معروف تولید می‌شد، سرمایه‌دارهای پشت صحنه را از ستاره‌های روی صحنه ثروتمندتر کرد.

به این ترتیب نیرویی را که می‌توانست به تغییر تمدن و سبک زندگی ظالمانه روزگار ما و تحول تاریخ منجر شود، در جهت تثبیت سلطه و حفظ وضع موجود به کار گرفته‌اند و به‌طور تحسین‌انگیز و طنزآمیزی، از جوانان ناراضی و سرکش، انسان‌هایی محافظه‌کار درست کرده‌اند! همان‌گونه که خواندید، سبک‌های راک و متال و رپ، تنها نوعی از موسیقی بوده و ربطی به محتوای درونی آن‌ها ندارد؛ اگر چه در مواردی مورد استفاده گروه‌های شیطان‌گرایی قرار گرفته‌اند. چنان‌که در موارد متعدد، همین سبک‌ها در انتقال مفاهیم دینی و معنوی مورد استفاده قرار گرفته است. [31] بنابراین این که بیایم و به صورت مطلق بگوئیم که گروه‌های مروج این سبک‌ها، تماماً شیطان پرست هستند، کمک شایانی به بزرگ‌نمایی جریان شیطان‌گرایی نموده‌ایم.

3. مصادره نمادها به نفع جریان شیطان‌گرایی

یکی از شیوه‌های ترویج ایدئولوژی‌های شیطان‌گرایانه، استفاده از روش نمادپردازی و ترویج آن در حوزه فرهنگ عمومی است. منتهی بررسی غیرعلمی این روش تبلیغی، منجر به شکل‌گیری توصیفات غلطی در این محور گردید که ما از آن تعبیر به مصادره نماد به نفع جریان شیطان‌گرایی می‌کنیم. قبل از توضیح بیشتر این مطلب، بایستی اشاره کنیم که نمادهای مشهوری که عمدتاً در جنبش‌های شیطان‌گرایی مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از: بُز بافومیت، عدد 666، ستاره پنج‌پر وارونه به همراه یک سر بُز در درون آن، صلیب وارونه و دست شاختار.

نمونه‌ای از این مصادره‌ها، مرتبط کردن برخی از نمادهای بی‌ارتباط با این حوزه، به مساله شیطان‌گرایی بود. مثلاً نماد فروهر (از نمادهای آئین زرتشتی)، نمادهای آئین‌های ساحرانه (مانند ستاره پنج‌پر در حالت عادی) و یا نمادهای انجمن‌های فراماسونری (مانند چشم جهان‌بین)، به عنوان نماد فرقه‌های شیطان پرستی بیان شد.

سردمداران جریان شیطان‌گرایی به منظور بزرگ‌نمایی گستره نفوذ خود، اقدام به ترویج معانی موازی شیطانی از برخی نمادهای مشهور

جهانی نموده و این نمادها را به نفع جریان شیطان‌گرایی مصادره می‌کردند و متأسفانه برخی محافل رسانه‌ای نیز به ترویج این معانی موازی کمک نمودند و بعضاً نمادهایی را نیز که شباهت مختصری با برخی از نمادهای این گروه‌ها داشت، به این لیست افزودند. برای مثال نماد مشهور صلح جهانی [32] به عنوان صلیب وارونه معرفی شد. همچنین نماد نازیسم [33] و نماد سواستیکا [34] یا چرخ خورشید، به عنوان صلیب شکسته مطرح شد. همچنین دو نماد بوزقورد [35] و نشان ابراز علاقه با دست [36]، به علت شباهت با نماد دست شاخدار، به عنوان نماد شیطان پرستی معرفی شد.

از آن جا که اولین مرحله از انتقال یک ایدئولوژی بوسیله یک نماد، صرف ترویج آن نماد در جامعه هدف است، این توصیفات غلط، علاوه بر بزرگ‌نمایی حوزه اثرگذاری این گروه‌ها، کمک شایانی نیز به انتقال ایدئولوژی‌های شیطانی از این طریق نمود.

4. عدم توجه به بستر شکل‌گیری این جریان از منظر دین‌شناختی

نگرش غالب فرقه‌های شیطان‌گرایی موجود در غرب به مقوله شیطان، ریشه در آموزه‌های تحریف‌شده یهودی-مسیحی به شیطان دارد که با نگاه اسلامی به شیطان تفاوت‌های فاحشی دارد.

در نگرش اسلامی، شیطان یک جن است (کُف: 50) که در اثر عبادت به جمع فرشتگان راه یافت و به سبب عصیان در برابر دستور الهی، از مقام خویش تنزل پیدا کرد و با فریب آدم علیه السلام و همسرش در مورد میوه درخت ممنوعه، باعث هبوط آن دو از بهشت الهی شد؛ (بقره: 34-38) ولی در نگاه یهودی-مسیحی، شیطان فرشته‌ای است که در داستان آدم علیه السلام و حوا نقش منجی را برای نوع بشر بازی می‌کند و با راهنمایی آن دو به سمت میوه درخت علم و معرفت! آن‌ها را از باطن امور آگاه و از یوغ بندگی استثمارگونه خداوند رها می‌کند! به روایت تورات، شیطان به شکل مار وارد بهشت شد تا آدم و همسرش را فریب دهد.

در اولین کتاب از پنج کتاب تورات که به سیفر پیدایش شهرت دارد، این‌گونه می‌خوانیم: و مار از همه حیوانات صحرا که یَهُوَه خدا ساخته بود، هشیارتر بود. او به زن گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟ زن به مار گفت: از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت که از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید. مار به زن گفت: هرآینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا عارف به نیک و بد خواهید بود. (پیدایش 3: 1-13)

نکته قابل تأمل، در ادامه این روایت‌گری تورات نهفته است؛ آن‌جا که خداوند پس از آگاهی از سربیزی آدم و همسرش، کلام شیطان را تأیید کرده، رو به ملائکه خود می‌گوید: همانا انسان مثل یکی از ما شده است که عارف به نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته و بخورد و تا به ابد زنده ماند. (پیدایش 3)

این‌گونه داستان‌پردازی‌های تحریف شده عهد عتیق (کتاب مقدس یهودیان) که شیطان را راهنمای آدم به سوی درخت دانش معرفی می‌کرد، بعدها با تدوین کتاب مقدس مسیحیان و جا دادن عهد عتیق در آن، شیطان را به نوعی مظهر دانش و خرد جلوه داد. اگر چه داستان مار و درخت آگاهی، ساختگی بود و در اسطوره‌های مصری ریشه داشت، اصل این سخن درست بود که شیاطین، علوم جادویی را به بشر آموختند و از ترکیب قوانین جادویی درباره طبیعت با پاره‌ای از تعالیم انبیا، علمی شکل گرفت که نماد مار در بعضی از این علوم، مطالب زیادی را روشن می‌کند.

همین سنگ بنای منحرف، در قرون وسطا افسانه‌های پوچی درباره تعلیم شیاطین به انسان را شکل داد. روایت‌هایی همچون: نخستین شیطان بعل (نام خدای خورشید در بابل) کارشناس حقوق است و تفریحش شمشیربازی است. فوراس یا فورکاس [37] شیطانی از سرپرستان ارشد جهنم است، که گیاهان دارویی و خواص سنگ‌ها را می‌شناسد و می‌تواند انسان را نامرئی کند و قادر است علوم معانی و بیان و منطق و ریاضی را به او بیاموزد. بوئر [38] هم یکی دیگر از سرپرستان جهنم، در منطق و طب استاد است و پنجاه خانواده از شیاطین در اختیار او هستند. (گلسرخی، 1377، ص 353)

تفاوت دیگر دو نگرش اسلامی و یهودی-مسیحی، در حوزه اختیارات و قدرت شیطان است. در آموزه‌های تحریف‌شده کتاب مقدس، شیطان موجودی است بسیار قدرتمند که در برخی موارد قدرت او با قدرت خداوند رقابت می‌کند و به نحوی باعث تسلط شیطان بر انسان می‌شود! ولی در آموزه‌های اسلامی، شیطان دارای کیدی ضعیف است [39] و فقط قدرت وسوسه‌گری نسبت به انسان دارد.

با توجه به تفاوت نگاه اسلامی و یهودی-مسیحی به شیطان، فرقه‌هایی همچون یزیدیه (که بیشتر با عنوان شیطان‌پرستان عراق شناخته می‌شوند) از دایره شیطان‌پرستی به معنای غربی آن خارج می‌شود؛ چرا که شیطان مورد پرستش آن‌ها تا حدودی به شیطان از دیدگاه اسلامی شباهت دارد و در بسیاری از مبانی فکری، با گروه‌های شیطان‌پرستی غربی اختلاف نظر دارند. [40]

5. خلط مبحث فراماسونری و کابالا با شیطان پرستی

یکی از اشتباهات دیگر در زمینه توصیف جریان شیطان‌گرایی، خلط این بحث با دو کلید واژه دیگر با عناوین فراماسونری و کابالا بود. اگر چه ارتباطاتی در این زمینه وجود دارد، منتهی این که فراماسونری و یا کابالا را به عنوان دو فرقه شیطان پرستی معرفی کنیم، به بزرگ‌نمایی مسأله شیطان‌گرایی کمک کرده‌ایم.

اختصار این مقاله اجازه تشریح دقیق دو جریان فراماسونری و کابالا را به ما نمی‌دهد؛ ولی به طور خلاصه می‌توان گفت که آموزه‌های کابالیستی، محتوای لازم برای شکل‌گیری فرق شیطانی را در دوره‌های بعدی تاریخی فراهم کرد؛ خصوصاً بخشی از آموزه‌های انحرافی کابالا که به تقدس بخشی به شیطان و شر موجود در عالم می‌پرداخت. انجمن‌های فراماسونری نیز، به علت ارتباطاتی که میان آنان و یهودیان کابالیست وجود داشت، زیرساخت لازم برای عملیاتی شدن این اندیشه‌ها را در بین نخبگان جوامع فراهم کرد. [41]

6. ارائه تقسیم‌بندی‌های بی‌اساس درباره انواع فرقه‌های شیطان‌پرستی

در دوران معاصر شیطان‌گرایی، فرقه‌های فراوانی با ظواهر و عناوین شیطانی در آمریکا و برخی کشورهای غربی اعلام موجودیت نموده‌اند که از مشهورترین آن‌ها در ایالات متحده آمریکا دو فرقه با نام‌های سیپتینسم [42] و ستیانس [43] است. [44]

البته در بسیاری از مقالات به زبان فارسی، فرقه‌های شیطان‌گرایی امروزی را در یک تقسیم‌بندی به سه گروه تقسیم می‌کنند که عبارت است از: شیطان‌پرستی فلسفی، شیطان‌پرستی دینی و شیطان‌پرستی گوتیک. [45] این تقسیم‌بندی به اعتبار نگاه‌های مختلفی است که به فرقه سیطنیسم شده است و بدین معنا نیست که امروزه سه گروه شیطان‌پرست وجود دارند؛ بلکه بدین معناست که با نگاه به مبانی فلسفی، نام این فرقه را شیطان‌پرستی فلسفی نهاده است و با نگاه به آداب و مناسک مذهبی این فرقه، عنوان شیطان‌پرستی دینی یافته و با نگاه به آثار و رویکردهای اجتماعی-اخلاقی آن، عنوان شیطان‌پرستی گوتیک را برای آن برگزیده‌اند. تقسیم‌بندی مذکور دارای ایرادهایی است که نقد و بررسی آن از حوصله این مقاله خارج است.

مقابله‌های افراطی و تفریطی با شیطان‌گرایی در کشور

در مجموع می‌توان گفت در راستای مقابله با این آسیب، دو دیدگاه در میان پژوهشگران و مراکز رسانه‌ای و اجرایی کشور شکل گرفت. نخستین دیدگاه که بیشتر در میان برخی پژوهشگران مبتدی و اصحاب رسانه مشاهده می‌شد، نوعی نگاه افراطی به این جریان بود. در این نگاه با ایجاد حساسیت در میان عموم مخاطبان و با توجیه روشنگری پیش‌گیرانه، با بیان برخی آموزه‌ها و آیین‌های شیطان‌گرایانه به بزرگ‌نمایی بیش از حد فرقه‌های شیطان‌پرستی پرداخته شد.

برای مثال می‌توان به ساخت برنامه‌ای مستند با عنوان شوک در سال 1387 با موضوع بررسی شیطان‌پرستی اشاره کرد. پخش این مستند که بدون تحقیقات و پشتوانه‌های صحیح علمی صورت گرفته بود، یکی از اقدامات شتاب‌زده و بدون استراتژی رسانه ملی به عنوان بزرگ‌ترین تربیون ملی کشور، در دامن زدن به مطرح‌شدن این جریان و فرقه‌های وابسته به آن در میان عموم جامعه بود. از آن پس نیز شاهد رشد وسیع اخبار مرتبط با فرقه‌های شیطان‌پرستی در رسانه‌های مختلف، اعم از روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف بودیم. علاوه بر این جوسازی کاذب رسانه‌ای، شاهد برخوردهای امنیتی و انتظامی برخی نهادهای امنیتی کشور، همچون نیروی انتظامی، در این راستا بودیم.

شکل‌گیری این فضای کاذب در جامعه و جذابیت بحث درباره عقاید و آیین‌های این فرقه‌ها، باعث شد که شاهد برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای مختلف و بیش از اندازه درباره مقابله با فعالیت شیطان‌پرستی در کشور باشیم. این نیاز کاذب در میان جامعه، باعث ورود برخی پژوهشگران‌ها در این حوزه شد که فضای پژوهشی مقابله با این جریان خطرناک و آسیب‌زا را در کشور مغشوش کردند و همان‌طور که بیان شد، با توصیفات غلط خود به بزرگ‌نمایی این جریان کمک شایانی نمودند.

نگاه دوم که بیشتر در میان مسئولان اجرایی و فرهنگی کشور مشاهده می‌شد، نوعی نگاه تفریط گونه بود. در این نگرش بدون در نظر گرفتن بُعد جریانی شیطان‌گرایی، فقط به جنبه‌های سطحی آموزه‌های برخی فرقه‌ها اشاره می‌شد و این جریان را موجی زودگذر در میان جوانان می‌دیدند که پس از مدتی فروکش کرده، از بین می‌رود.

با کمال تأسف باید گفت که هر دو دیدگاه یادشده، هر یک به نوعی به ترویج این جریان کمک شایانی کردند. دیدگاه اول با بزرگ‌نمایی بیش از حد این جریان در رسانه‌ها و ارائه تفکرات و آموزه‌های آن، بدون تحلیل صحیح در میان طبقات مختلف مردم، ناخواسته به ترویج این جریان کمک کرد. علاوه بر آن با توصیف‌های غلط از عقاید و ظواهر فرقه‌های شیطان‌پرستی، باعث شکل‌گیری تصویری غلط از فعالیت این جریان در جامعه شد. مهم‌ترین آسیبی که این تصور غلط به جامعه وارد می‌کند، ایجاد تصور مصونیتی کاذب در میان خانواده‌ها و نهادهای متولی امور تربیتی در جامعه است؛ بنابراین اقدامات صحیح تربیتی برای مقابله با این جریان ضدفرهنگی صورت نمی‌گیرد.

در نگاه دوم به علت آن‌که ابعاد مختلف جریان شیطان‌گرایی در نظر گرفته نمی‌شد و آن‌را موجی زودگذر در میان جوانان ارزیابی کردند، راهبرد صحیحی برای مقابله تنظیم ننمودند. نتیجه این نگرش آن است که پس از مدتی حساسیت‌های اجتماعی نسبت به نفوذ این جریان در جامعه کاهش می‌یابد. همچنین از آن‌جا که مشخصه محوری در جریانات و فرقه‌های شیطان‌گرایانه، آموزه ضد دین بودن آنان است، این فرقه‌ها خصوصاً در کشورهایی که نظام دینی بر آن‌ها حاکم است، از نوع فرقه‌های زیرزمینی محسوب می‌شوند و عدم توجه مسئولان و نهادهای مربوط به مقابله راهبردی با این مقوله، بستر مناسبی برای ترویج بی‌دردسر آن فراهم می‌کند.

عدم توجه به کارکردهای جریان شیطان‌گرایی برای نظام سلطه و دستگاه‌های استکباری

استکبار جهانی در پی گسترش نظام سلطه در سراسر جهان بوده است و امروزه این هدف خود را در قالب شعارهایی همچون نظم نوین جهانی و جهانی‌سازی در دنیا مطرح می‌کند. سلطه‌طلبان برای رسیدن به این هدف در طول دهه‌های اخیر، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، برای نهادسازی پایه‌های این نظام تلاش‌های فراوانی کرده‌اند. شکل‌گیری نهادهایی همچون سازمان ملل، تجارت جهانی، بهداشت جهانی، شورای امنیت و... که جز خدمت‌رسانی به نظام سرمایه‌داری وظیفه دیگری برای خود نمی‌بینند، نمونه‌هایی از این نهادسازی‌ها به شمار می‌رود.

یکی از موضوعاتی که نظام سلطه نسبت به مدیریت و هماهنگ‌سازی با ارزش‌های خود از آن غافل شده بود، مقوله دین و معنویت است. نظام استکباری به خیال خام خود می‌پنداشت که با ترویج اندیشه‌های سکولاریسمی در چند سده اخیر توانسته دین را نه تنها از سیاست، بلکه از تمام عرصه‌های زندگی مردم دنیا جدا کند. غافل از این‌که موضوع دین و معنویت با فطرت انسان‌ها گره خورده است. شاید بتوان آن‌ها را تا مدتی از توجه به نیازهای فطری‌شان غافل نمود، ولی نمی‌توان نابودشان کرد. موج گسترش انفجارگونه جنبش‌های معنوی جدید در نیم‌قرن گذشته، شاهدی بر همین مدعاست. اگر چه بسیاری از این جنبش‌ها سراسی بیش نیستند، تقلایی برای سیراب کردن نیاز فطری انسان‌ها در آنان مشاهده می‌شود.

شواهد و قرائن موجود، تحرکات نظام سلطه را در راستای مدیریت این موضوع، در چند دهه گذشته به‌خوبی نشان می‌دهد. به تأیید کارشناسان این حوزه، شاید در چند سال آتی مقوله‌ای با عنوان دین واحد جهانی به‌طور علنی از طرف قدرت‌های سلطه‌طلب جهانی مطرح شود. البته دین واحد جهانی فقط یک اساس‌نامه اخلاقی خواهد بود و نقش آموزه‌های اعتقادی در آن بسیار کم‌رنگ است. [46] روشن است که فقط آن دسته از آموزه‌های اخلاقی در این اساس‌نامه گنجانده می‌شود که برای تحقق نظام سلطه مؤثر باشند؛ چرا که آن‌گونه که

رسانه‌های وابسته به نظام سرمایه‌داری منتشر می‌کنند، آموزه‌های اعتقادی در سراسر تاریخ بشریت، موجب اختلاف و جنایات بشری بوده است و پرداختن به آن، موجب بروز نفرت در میان انسان‌ها و مانعی بر سر راه صلح جهانی (بخوانید نظم نوین جهانی) خواهد بود. سلطه‌طلبان برای دستیابی به این اساس‌نامه معنویت جهانی، راهبردهای مختلفی را به کار بسته‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها، ترویج مساله گفت‌وگوی ادیان، منتهی با رویکرد پلورالیسمی است. منتهی مانع بزرگ بر سر اجرای این راهبرد، شکوه و ریشه‌داری ادیان اصیل، است. برای درهم شکستن صولت و به تباهی کشیدن اصالت ادیان بزرگ دو راه دنبال می‌شود: یکی اهانت به مقدسات هر دین، به‌ویژه اگر اهانت‌کننده از جمع پیروان همان دین باشد، دیگری توسعه موج نمادین و ایدئولوژیک شیطان‌پرستی افراطی. شیطان‌پرستان به زشت‌ترین صورت ممکن و آشکارا مقدسات مسیحیت را در غرب مورد اهانت قرار دادند و اکنون برای کشیدن این موج به کشورهای اسلامی، تلاش‌هایی صورت می‌گیرد. با ترویج و حمایت از این نوع اقدامات، پس از مدتی هیمنه ادیان بزرگ و اصیل در میان پیروان و حتی رهبران آن‌ها از بین می‌رود و آمادگی آنان برای پذیرش روند دموکراتیک بیان‌شده برای تثبیت دین جهانی افزایش می‌یابد.

منابع

1. قرآن کریم
2. کتاب مقدس، ویرایش دوم ترجمه قدیم (1987)، انجمن کتاب مقدس ایران، نسخه الکترونیکی سازمان مردم نهاد اسلام و مسیحیت.
3. گیدنز، آنتونی (1376) جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ سوم.
4. آربورن، اوزی، جیمز دیو رونی (1381) شب را ورق بزن گزیده اشعار گروه بلک سبث. ترجمه کارن رشاد، تهران، نشر مس.
5. گلسرخی، ایرج (1377) تاریخ جادوگری. تهران، نشر علم، چاپ اول.
6. کولمن، جان (1370) کمیته 300 کانون توطئه جهانی. ترجمه یحیا شمس، تهران، نشر علم، چاپ چهارم.
7. مشکور، محمدجواد (1368) فرهنگ فرق اسلامی. تهران، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
8. مظاهری سیف، حمیدرضا (1391) به سوی یک دین جهانی، قم، صهبای یقین.
9. عرب، حسین (1393)، بی‌نقاب: نگاهی دقیق‌تر به جریان شیطان‌گرایی، قم، صهبای یقین.
10. مظاهری سیف، حمیدرضا، حمزه شریفی‌دوست (1391) نگاهی متفاوت به شیطان‌گرایی. قم، صهبای یقین.
11. Clarke, Peter B (2006) Encyclopedia of New Religious Movements. بی‌جا.

[1]. خرده‌فرهنگ در اصطلاح دانش مردم‌شناسی به ارزش‌ها و هنجارهای متفاوت با ارزش‌ها و هنجارهای گروه اکثریت که یک گروه درون جامعه‌ای بزرگ‌تر داراست. خرده‌فرهنگ‌ها قابل شناسایی و تغییر هستند و بیشتر به ارزش‌های گروه اقلیت اطلاق می‌شوند (گیدنز، 1376، ص 238).

[2]. Gothic

[3]. Body art

[4]. Body painting

[5]. body piercing

[6]. Tatoo

[7]. Subdermal implant

[8]. Blouse

[9]. Frank Zappa

[10]. The Kinks

[11]. Black Sabbath

[12]. برای آشنایی بیشتر درباره این اقدامات می‌توانید به کتاب کمیته 300 کانون توطئه جهانی، نوشته جان کولمن، ترجمه یحیا شمس مراجعه نمائید.

[13]. John Michael Osbourne

[14]. Ozzy Osbourne

[15]. Heavy Metal

[16]. Metallica

[17]. Manowar

[18]. Rolling Stone

[19]. speed metal

[20]. thrash metal

[21]. Power metal

[22]. Black metal

[23]. death metal

[24]. Industrial metal

[25]. Marilyn Manson

[26]. Deicide

[27]. Emperor

[28]. Satanism

[29]. Sid Vicious

[30]. Sex pistols

[31]. البته همانطور که می دانید، در نگاه اسلامی، هیچگاه هدف وسیله را توجیه نمی کند؛ و این که بیان شد که، گروه هایی برای انتقال مفاهیم دینی از این سبک ها استفاده کرده اند، به معنای جواز استفاده از این سبک ها از نظر شرعی نیستیم.

[32]. که در جنبش های ضد جنگ مورد استفاده است

[33]. این نماد که به طور گسترده توسط هیتلر و حزب نازیسم به کار گرفته شد، امروزه بیشتر نشانگر عقاید نژادپرستانه می باشد.

[34]. swastika یک چلیپا با شاخه های 90 درجه به سمت راست یا چپ است. که معمولاً با جهت افقی می باشد. بعضاً در آئین هندو نقطه هایی در هر ربع آن قرار می دهند.

[35]. به معنای گرگ خاکستری که در میان جنبش های پان ترکیسم استفاده می شود و صورت نمادینی از گرگ در آن به چشم می خورد.

[36]. هنگامی که در حالت دست، انگشت شست به صورت باز قرار گیرد. این نشان معادل نمادین عبارت دوستت دارم (I Love You) در کشورهای غربی، خصوصاً آمریکا، می باشد. این نماد ترکیبی از سه حرف الفبای انگلیسی در زبان نشانه ها، I و Y است که مختصر شده عبارت I Love You می باشد.

[37]. Phorcas

[38]. Buer

[39]. إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (نساء: 76) نقشه شیطان (همانند قدرتش) ضعیف است.

[40]. برای مطالعه بیشتر در مورد فرقه یزیدیه نک. (مشکور، 1368).

[41]. برای آشنایی بیشتر با پیوندهای میان فراماسونری، کابالا و شیطان گرایی به کتاب بی نقاب: نگاهی دقیق تر به جریان شیطان گرایی نوشته حسین عرب مراجعه نمائید.

[42]. Satanism

[43]. Setians

[44]. علاوه بر این دو فرقه، فرقه های دیگری نیز با اندیشه های مشابه شیطانی در دنیا فعالیت می کنند اما اغلب دایرة المعارف هایی که با موضوع جنبش های نوپدید دینی تألیف شده است، این دو فرقه را در مدخل های خود ذکر نموده اند. نک. (Clarke، 2006)

[45]. منشأ دقیق این دسته بندی مشخص نیست؛ ولی در غالب مقالاتی که تاکنون به زبان فارسی درباره شیطان گرایی نوشته شده است، این دسته بندی مورد استفاده قرار گرفته است. اولین بار این دسته بندی در مقاله ای با عنوان جامعه شناسی شیطان پرستی نوشته مریم سعادت مطرح شده است.

[46]. برای مطالعه بیشتر در زمینه دین جهانی می توانید به کتاب به سوی یک دین جهانی نوشته حمیدرضا مظاهری سیف مراجعه نمائید.